

افغانستان و معضل جهانی مواد مخدر

دکتر وحید ظهوری حسینی #

استفاده از مواد مخدر شاید به اندازه بشر قدمت داشته باشد و هنوز هیچ کس نتوانسته است تاریخ پیدایش آن را مشخص کند؛ پس هیچ قوم و ملتی نیز نمی تواند ادعا کند که مواد مخدر و استفاده از آنها در آداب و سنن و رسوم خوب و بد آن قوم وجود نداشته و مربوط به دیگر اقوام است .

یکی از علمای جانور شناسی در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده است که : حتی برخی از جانوران ، مخصوصا پرندگان ، انواع گیاهانی را مورد توجه و استفاده قرار داده اند که خاصیت تخدیر داشته به آنها نوعی آرامش موقت می دهد.

اقوام وحشی و ابتدایی از این نوع گیاهان ، در مراسم مذهبی استفاده می نموده اند و امروز افراد متمدن نیز از مواد مخدر استفاده می کنند و کم و بیش انتظارات و توقعاتی از آن دارند.

شاعران، نویسندگان و هنرمندان معروفی نیز بوده اند که مواد مخدر و یا حداقل قهوه را به منظور تحریک سلسله اعصاب و خلق اثر هنری برای خود لازم می دانسته اند و شاعران در این زمینه سروده هایی داشته اند.

به هر حال، مواد مخدر یک پدیده تازه نیست؛ در همه کشورهای پیشینه تاریخی دارد و زیانهای مهلک آن را همه می دانند. آنچه این پدیده را به عنوان یک بلا جهانی، تهدیدکننده امنیت ملی و بین‌المللی و عامل تأثیرگذار بر سلامت فکری، جسمی و اخلاقی انسانها تبدیل کرده، افزایش روزافزون، تولید، قاچاق بین‌المللی و گسترش این تجارت سیاه مرگبار و سوء مصرف آن در جهان است.

مبارزه با مواد مخدر نیز تازگی ندارد. دولتها و جامعه جهانی از ۲۵۰ سال قبل تا امروز با مسئله الکل و مواد مخدر روبه‌رو بوده و مأموران مبارزه با مواد مخدر در این کشورها، و حتی کشورهای پیشرفته جهان، با آنکه به تمام وسایل پیشرفته مجهز هستند و از تمام امکانات استفاده می کنند نتوانسته یا نخواسته‌اند از شدت رواج این مواد، مخصوصاً در میان طبقه جوان، بکاهند.

پس اعتیاد و مسئله مواد مخدر یک مشکل جهانی است که ارتباط به زمان و مکان مشخصی ندارد و مبارزه با این معضل جهانی و آفت انسانی همیاری جهانی را می طلبد و این مبارزه و همیاری باید اصولی، منطقی و مخصوصاً منطبق با رعایت موازین قانونی، اخلاقی، انسانی و بدون تبعیض باشد.

آشنایی با انواع مواد مخدر و افیونی:

تریاک^۱، شیره و سوخته تریاک، کدئین^۲، هروئین^۳ و مرفین^۴ شایع‌ترین مواد افیونی غیرقانونی مورد استفاده می‌باشد.

تریاک از گیاه خشخاش به دست می‌آید و منشأ هروئین، کدئین و مرفین نیز همین ماده است.

حشیش یا چرس^۵ هم نوعی دیگر از مواد مخدر است که از سر شاخه‌های گیاه شاهدانه^۶ به دست می‌آید. (شاهدانه در دوران باستان به گیاه اهریمن معروف بوده

-
1. opium
 2. codeine
 3. heroine
 4. morphine
 5. Indian hemp-juice
 6. hemp-seed

است.) این ماده به عنوان دروازه اعتیاد شناخته شده و مصرف‌کنندگان هروئین، تریاک و کوکائین غالباً اعتیاد را با حشیش یا چرس آغاز کرده‌اند.

کوکائین نیز ماده مخدر و افیونی دیگری است که شکل بلوری و سفیدرنگ دارد و از برگ‌های گیاه کوکا به دست می‌آید.

اکستاسی^۱ و ال‌اس‌دی^۲ یا قرص شادی‌بخش از انواع دیگر و جدید مواد مخدرند که به صورت دارو و به اشکال مختلف: قرص، کپسول، پودر استنشاقی و برچسب‌های پوستی عرضه شده و متأسفانه هر ساله مصرف آن رو به افزایش است؛ و در حالی که مضرات آن صد برابر حشیش است، جوانان و خانواده‌ها هیچ اطلاعی از عوارض آن ندارند.

و بالاخره ماری‌جوآنا^۳ که از گیاه شاهدانه به دست می‌آید و نام‌های مختلفی نظیر گراس، علف، بنگ، سیگاری و امثال آن دارد، نوع دیگری از مواد مخدر است.

در مجموع، مواد مخدر و استعمال آنها را می‌توان تحت سه دسته طبقه‌بندی کرد:

۱. افسرده‌کننده و آرامبخش مانند (هروئین و باربیتوراتها)

۲. شوق آور و محرک مانند (کوکائین و آمفتامین)

۳. توهم‌زا مانند (ماری‌جوآنا، اکستاسی و LSD)

مواد مخدر و سیاست جهانی:

در آشفته‌بازار سیاسی جهان امروز که حق از باطل شناخته نمی‌شود و جنایتکار و تروریست حامی مظلومین و قربانیان تروریسم و مواد مخدر جلوه می‌کند و حتی هم‌پن قربانیان، به نام تروریست و ضد حقوق بشر، از سوی همان جنایتکاران مورد مؤاخذه و محاکمه قرار می‌گیرند، آنچه به وضوح آشکار شده این است که در پس‌پرده گسترش مواد مخدر در جهان، قدرتهای بزرگ جهانی قرار دارند؛ و حتی اکنون هم که پدیده مواد مخدر و گسترش انواع آن به عنوان یک معضل اجتماعی، سیاسی و اخیراً به عنوان یک بحران در صحنه بین‌المللی و در سطح کشورها در دستور کار آن قدرتها قرار گرفته باز

1. ecstasy

2. LSD

3. mari juana

هم در عصر استعمارنو، تجارت مواد مخدر، به منظور تداوم سلطه بر مستعمرات، جلوه دیگری یافته و از ابزارهای ضد فرهنگی برای تحمیق با ترفندهای درمانی و حربه‌های اقتصادی استفاده شده و دامنه این طرحها به تهاجم نظامی نیز کشیده شده است. نقش دولتها و قدرتهای بزرگ در دهه‌های اخیر در گسترش مواد مخدر در جهان و فراهم کردن زمینه‌های قاچاق و ترانزیت آن در صحنه بین‌الملل این پدیده را به یک بلای جهانی و معضل ملی در سطح کشورها تبدیل کرده است. جنگهای تریاک عصر حاضر، به صورت پنهان، بشر را در معرض تهدید قرار داده است و کارتل‌های قاچاق مواد مخدر و دولتهای حامی آنها دنیا را به دردسر انداخته و تجارت سالم و قانونی را به فساد کشیده‌اند.

کارتل‌های مدلین^۱ و کالی^۲ (دو شهر مجاور غرب و جنوب غربی بوگوتا پایتخت کلمبیا) در آمریکای جنوبی، مافیا که شهرت جهانی دارد در اروپای شرقی، تریادهای^۳ در اروپا، آمریکا و آسیا به ویژه در چین و هنگ‌کنگ و گروه مواد مخدر مسکو در افغانستان، لندن و لائوس از جمله کارتل‌های مطرح و عامل حمل و نقل و قاچاق بین‌المللی مواد مخدر هستند که از مرحله تولید تا توزیع مواد را در سطح جهانی کنترل و هدایت می‌کنند.

این باندها و گروهها از زیرساختهای مدرن عصر فعلی از قبیل کامپیوتر، ماهواره، تجهیزات مخابراتی و ارتباطی، سلاحهای سبک و نیمه سنگین، هواپیما، کشتی و انواع خودرو برخوردارند، آگاهانه گرد هم می‌آیند و دارای سازمان، تشکیلات و سلسله مراتب هستند و جهت نیل به اهداف خود، تبهکاریهای سازمان‌یافته را نیز مرتکب می‌شوند.

بنابراین، می‌توان گفت: یک رابطه مستقیم بین مواد مخدر و افزایش جنایت و خشونت وجود دارد؛ و در موارد زیادی دیده شده که درآمد حاصل از مواد مخدر صرف بسیاری از خونبارترین مناقشات مسلحانه در جهان شده و می‌شود که تأثیر مستقیمی بر امور اقتصادی کشورها دارد؛ زیرا هر ساله کشورها مجبور هستند هزینه‌های هنگفتی

1. Medellin

2. Cali

3. Triad

را صرف تقویت نیروهای پلیس، گشت‌زنیهای مرزی، سیستمهای قضایی و برنامه‌های درمان و بازپروری معتادان کنند.

با ذکر چند مثال، اگر کمی به گذشته بنگریم، درمی‌یابیم که مواد مخدر چگونه در نظام سیاسی جهان وارد شده است :

۱. مقارن با سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار و همزمان با ورود انگلیسیها به ایران، استعمال تریاک رواج یافت. تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی که شاه جنایتکار از آمریکا دستور می‌گرفت و بعد از سابقه طولانی قاچاق مواد مخدر و معتاد کردن جوانان کشور، که افراد عالی‌رتبه مملکت در رأس آن قرار داشتند، مصرف انواع مواد به طرق مختلف به شدت رواج پیدا کرده بود. مشروبات الکلی یک نوع تجددمآبی و تنوع محسوب می‌شد؛ در هر کوچه و خیابان تهران و شهرستانها مغازه‌های مشروب‌فروشی در کنار باشگاههای شبانه و بارها وجود داشت و مشروب‌فروشیها هر شامگاه هزاران تومان درآمد داشتند و این در حالی بود که هزاران جوان با جیبهای تهی در حالی که قدرت حرکت و اراده را از دست داده بودند از دکه‌های فروش ام‌الخبائث خارج می‌شدند. دست تولید و توزیع‌کنندگان مواد مخدر به کلی باز گذاشته شده بود؛ چه، دستهای پلید حاکمیت هم خود در این منجلاب غوطه‌ور بود و هم دستیار باندهای بین‌المللی بود.

این جریان تا آنجا پیش رفته بود که دولت طاغوت اعلام داشت: هر خانواده‌ای که خاکستر تریاک را هرچه بیشتر به دولت تحویل دهد، می‌تواند به قیمت دو برابر تریاک خام خریداری کند.

۲. در سال ۱۹۷۹م که ساندینیستها^۱ در نیکاراگوئه حکومت را به دست گرفتند هنگامی که برای خرید اسلحه به دلاراحتیاج داشتند، به تجارت مواد مخدر پرداختند. بسیار مهم است که آنها در این کار تنها نبودند و سازمان سیا^۲ هم مواد مخدر را خرید و فروش می‌کرد تا بتواند از سود فروش آن پول به دست بیاورد و این پول را به مخالفان حکومت ساندینیستها، که کنترها^۳ نام داشتند، بدهد. (جالب اینجاست در همین سالها

1. Sandinist

2. CIA

3. Contras

بود که الیورنورث ۲۰۰ میلیون دلار کوکائین وارد کشور آمریکا کرد و آن را به جوانان آمریکا فروخت تا از سود آن جهان را از خطر سقوط نجات دهد و رییس جمهوری وقت آمریکا رونالد ریگان از این عملیات اطلاع کامل داشت و بر آن صحنه گذاشته بود.

۳. کشور مکزیک فرستنده اصلی مواد مخدر به آمریکاست و از این موقعیت و سوداگری مبلغ ۳۰ میلیارد دلار در سال ارز خارجی کسب می‌کند. (یعنی بسیار بیشتر از ارزآوری فروش نفت در کشورهای مهم تولید کننده نفت در جهان)

۴. آقای مازی تلی نماینده دفتر کنترل مواد مخدر سازمان ملل^۱ می‌گوید: اطلاعاتی که ما داریم نشان می‌دهد که محل اصلی کشت تریاک در مثلث طلایی یعنی (میانمار، لائوس و تایلند) و هلال طلایی یعنی (افغانستان، پاکستان، ترکیه، لبنان و...) که ضلع اصلی آن افغانستان است و یک گوشه آن هم به آمریکای جنوبی می‌رسد، می‌باشد.

به این ترتیب، مواد مخدر کاملاً و به خوبی در نظام سیاسی جهان وارد شده است و به طور کلی مصلحت سیاسی پر قدرت تر از پلیس و ادعاهای پرطمطراق بین‌المللی، در این صحنه اعمال نظر می‌کند و، در نهایت، مبارزه جهانی با مواد مخدر از سوی حکومت‌های سلطه‌جو کم‌رنگ و بی‌ارزش می‌شود.

مواد مخدر در افغانستان

صرف نظر از اینکه تأثیرات فرهنگی و غیرفرهنگی کشورها محدود و محصور نمانده و در طول سده‌های تاریخی، به ویژه در نقاط مرزی، راه خود را باز می‌نماید و این اصل در مورد افغانستان و همسایه‌های آن و داد و ستدها و تولید و توزیع محصولات آنها در اثر رفت و آمدها و مراودات بسیار نزدیک نیز صادق است؛ استعمال تریاک، شیره و حشیش ابتدا در شهرهای مرزی افغانستان به لحاظ سابقه لشکر کشیهای گوناگون و حاکمیت استعمار انگلیس در شبه‌قاره (هند و پاکستان) و سیاست ترویج مواد مخدر از سوی آمریکا و حیثیت یک شاهراه تجارتي که افغانستان کسب کرده بود، رواج پیدا کرد.

1. UNPCP

گرچه سابقه استعمال مواد مخدر به صورت حشیش و تریاک را از قدیم الایام در افغانستان نیز مانند سایر کشورها و اقوام تاریخی، که قبلاً ذکر شد، نمی‌توان رد کرد؛ اما این سیاست جهانی حکومت‌های مافیایی و مزدوران داخلی آنها؛ یعنی حکومت‌های جابر و وابسته که در گسترش، کشت، پخش و ترویج مواد مخدر تلاش می‌ورزیدند و هر روز بر تلاش خود می‌افزایند را نیز باید یادآور شد که: باعث و بانی تمام آنچه اکنون از افغانستان و مواد مخدر ترسیم می‌شود، آنها می‌باشند و متأسفانه امروز در قالب ناجی و حامی و دلسوز ملت به نابودی کشانده شده افغانستان جلوه‌گری و عوام‌فریبی می‌نمایند. دولتهای وابسته و خودکامه قبلی افغانستان از حمایت و کشت و توزیع مواد مخدر دو هدف عمده جنایت‌آمیز را دنبال می‌نمودند:

۱. تخدیر اعصاب و روان افراد کشور به منظور بار آوردن مردم به صفت انسانهای ماشینی و فرمانبردار که از هر نوع فعالیت باز داشته شوند؛
۲. به زندان انداختن مخالفان آرمانی و سیاسی

این جریان که در زمان حاکمیت ۴۰ ساله طاغوت در افغانستان و جمهوری داوود ادامه داشت، موجب شد زمانی که موج مخالفتها شدت یافت دولت هم به اعمال جنایتکارانه و سیل بازداشتها تحت عناوین فوق افزود تا جایی که زندانهای معمولی گنجایش نداشت. بنابراین، در زمان داوود بازداشتگاههای موقت در چهلتن چهاردهی کابل (باغ شخصی داوود)، قلعه فتوح، قلعه نبی، کاریز میر، دره اشرف (راه سابق کابل - بلخ در دره شکاری) و قلعه زمان خان در سمنت خانه [کارخانه سیمان؟] کابل، برای این منظور ساخته شد و هزاران نفر از مردم بیگناه از قبیل دانشمندان، محققان، کارشناسان، محصلان، نویسندگان، هنرمندان و غیره را که مخالف غورزنگ ملی (حزب وابسته به داود) تشخیص می‌دادند به اتهام و عنوان معتاد، دیوانه، بیمار روانی و عصبی در این زندانها می‌انداختند.

در طول همین مدت، کشت خشخاش نیز، به ترتیب، در شهرهای هلمند، قندهار، ارزگان، ننگرهار، بدخشان، بغلان، بلخ، نیمروز و هرات، با بی‌توجهی مقامات دولتی ادامه

داشت. تشکیل ریاست صحتی دماغی در سال ۱۳۵۶ و همکاریهای سازمان تجارت جهانی^۱ و پروژه یوان.دی.پی^۲ در مبارزه با اعتیاد و مواد مخدر هم دردی را دوا نکرد. در سال ۱۳۵۷، که کودتای مارکسیستی به وقوع پیوست، سیر صعودی جریان فوق از زمان ترکی تا امین و ببرک شدت بیشتری پیدا کرد و دولت کمونیستی نیز نه تنها هیچ طرحی برای حل مسئله مواد مخدر نداشت بلکه ضمن ارتباط گرفتن با باندهای مافیایی مواد افیونی، پروژه یوان.دی.پی را هم متوقف ساخت. قیامهای مردم کشت خشخاش برای تأمین اقتصاد کشاورزان، توزیع مواد در بین جوانان از سوی دستهای پنهان که در داخل شهرها صورت می گرفت اوضاع کشور را بسیار وخیم ساخته بود. نجیب، که زادگاه او نوار مرزی شرق افغانستان است، یکی از همکاران نزدیک باندهای قاچاق و تولید و کشت مواد مخدر محسوب می شد. وی در زمانشاه و داوود با باند تبهکار مافیا ارتباط داشت و در یکی از مراکز پخش مواد مخدر در داخل و خارج، که در آن زمان هتل نورستان در شهر نوکابل بود، فعالیت می کرد و با متصدی هتل در امر بسته بندی و جاسازی و فراهم نمودن زمینه انتقال و پخش مواد همکاری و نظارت داشت. وقتی که به قدرت دست یافت، مثل این بود که یک باند مافیایی مواد مخدر بر اریکه قدرت تکیه زده؛ او هر قدر که امکان داشت به بسط و گسترش این امر دامن زد. بدیهی است با این مقدماتی که ذکر شد و با بی سر و سامانی حکومت مجاهدین، طالبان نسبت به آنچه از گذشته زمینه سازی شده و به آنها ارث رسیده بود و با حمایتهایی که از آنها صورت گرفت، طبیعی بود که حکومتشان یک قدرت مافیایی مواد مخدر و تروریسم بین المللی از آب درآید.

جامعه جهانی و مبارزه بین المللی با مواد مخدر

مشکل مواد مخدر مشکلی است که سالهاست بیشتر مردم جهان با آن دست به گریبان اند و روز به روز اثرات سوء و صدمات خود را بر پیکره جوامع انسانی وارد می کند؛ به طوری که بیش از ۲۰۰ میلیون نفر از جمعیت شش میلیارد نفری کره زمین

1. WHO

2. UNDP

دچار این بلیه شده‌اند، بلایی که از مرز کشورها گذشته و جنبه بین‌المللی به خود گرفته است. اکنون مسئله این است که این بیماری چگونه درمان شود و راههای پیشگیری از آن و مقابله با آن کدام است؟

جامعه بین‌الملل، که پس از سالها شانه خالی کردن از مسئولیتها^۱ و متوجه کردن انگشت اتهام به دیگران، با هدف داشتن یک اراده منسجم و واحد برای ریشه کنی تجارت مواد مخدر در هزاره جدید، به صورت جدی تری وارد صحنه شد، در بیستمین اجلاس و در نشست ویژه سال ۱۹۹۸م مجمع عمومی سازمان ملل بر سر مشکل جهانی مواد مخدر، که ۱۷۰ کشور با آن درگیرند، کشورهای عضو را متعهد ساخت تا سال ۲۰۰۸م میزان عرضه و تقاضای مواد مخدر را به حد قابل توجهی کاهش دهند. سازمان مبارزه با مواد مخدر ملل متحد^۲ موظف شد که در جهت حل این معضل گام بردارد و برای اجرای این هدف سازوکاری در نظر بگیرد.

همچنین، دفتر کنترل مواد مخدر و پیشگیری از جرایم وابسته به سازمان ملل^۳ (تأسیس ۱۹۹۷م)، که یک نهاد رهبری جهانی برای مبارزه با مواد مخدر و جرایم بین‌المللی محسوب می‌شود و متشکل از دو نهاد برنامه بین‌المللی کنترل مواد مخدر^۴ و مرکز پیشگیری از جرایم بین‌المللی^۵ است، موظف شد برنامه بین‌المللی کنترل مواد مخدر و اقدامات بین‌المللی در مورد تولید، قاچاق و جنایات مرتبط با آن را از طریق

۱. بعد از پدید آمدن گسترده و جدی خطرات جهانی استعمال مواد مخدر، مبارزه با آن در پی کمیسیون تریاک در سال (۱۹۰۹ م) در شانگهای چین نهادینه شد و، با گذشت زمان، کنوانسیونهای متعدد سازمان ملل فروش و استعمال مواد مخدر را به اهداف پزشکی محدود کردند. این کنوانسیونها به صورت یک کنوانسیون واحد موسوم به کنوانسیون (سال ۱۹۶۱م) مواد مخدر درآمدند. پس از آن، این کنوانسیونها با افزودن کنوانسیونهای دیگر تکمیل شد و یک سیستم کنترل بین‌المللی بر مواد مخدر به وجود آمد و فهرستی از مواد مخدر که استعمال آنها غیرقانونی است، تهیه شد. به همین جهت، عبارت «استعمال مواد مخدر» به «استفاده غیرقانونی هر گونه ماده مخدری که در کنوانسیونهای فوق آمده» تغییر کرد. آخرین کنوانسیون مصوب در سال (۱۹۹۸م)، «قاچاق مواد مخدر» را مورد نظر قرار داده و شامل راهکارهایی برای مبارزه با پولشویی و تبدیل مواد شیمیایی برای ساخت مواد مخدر می باشد.

2. UNDCP

3. UNODCP

4. UNDCP

5. CICP

پروژه‌های مختلف نظیر (توسعه جایگزین)، (نظارت بر مزارع و کشت مواد) و پولشویی تقویت کند.

و بالاخره اکنون تشکلهای بین‌المللی در کنار هزاران ان.جی.ئو (NGO) و سازمانهای مردمی دیگر، فعالیت خود را بسیار جدی‌تر آغاز کرده‌اند تا اهالی زمین را از محصول گل خشخاش نجات دهند. اما به‌رغم وجود کنوانسیونهای بین‌المللی، تلاشهای جامعه جهانی و سازمانهای بین‌المللی، قاچاق بین‌المللی مواد مخدر گسترش روزافزون یافته و اقدامات ملی کشورها هم در مقابله با این پدیده و مبارزه با ترانزیت آن نتیجه بخش نبوده است. بنابراین، با نگاهی به سیر تحولات و اقدامات ملی و بین‌المللی می‌توان نتیجه گرفت که سیاست جهانی، امحاء پدیده قاچاق مواد مخدر و مبارزه صادقانه با زرع و تولید آن نیست زیرا قبل از جهانی شدن مسئله مواد مخدر و کشت خشخاش در افغانستان و حتی بعد از آن و به خصوص در زمان ممنوعیت طالبان و تهاجم آمریکا به افغانستان، مقامات سازمان ملل و چند کشور اروپایی و آسیایی بارها نگرانیهای خود از افزایش تولید و عرضه مواد مخدر در جنوب شرقی آسیا را فاش کرده و گفته بودند: با مسدود شدن مرزهای افغانستان، اکنون نگرانی اصلی از ناحیه مثلث طلایی است که می‌تواند بار دیگر نبض بازار تولید و فروش مواد مخدر را از درون کشورهای عضو مثلث (میانمار، تایلند و لائوس) در دست داشته باشد.

این مثلث طلایی بزرگ‌ترین و مخوف‌ترین مرکز تولید مواد مخدر، به ویژه هروئین و کوکائین، در جهان است و گردانندگان آن حتی نیروی هوایی و بالگردهای توپدار تهاجمی دارند.

قبل از بررسی وضعیت فعلی مواد مخدر در افغانستان و هلال طلایی، این سؤال پیش می‌آید که آیا UNDCP و UNODCP و NGOها در جهان، و به خصوص در منطقه مثلث طلایی و آفریقای جنوبی، چقدر فعالیت صادقانه داشته و تا چه اندازه در امحاء مزارع مواد مخدر و تولیدات آن موفق بوده‌اند؟ و آیا اگر ملاحظات خاص سیاسی در کار نیست، چرا برای اجرای مصوبات مجمع عمومی کار مؤثری صورت نداده‌اند؟ زیرا علاوه بر افزایش تولید مواد مخدر در افغانستان، این پدیده در سایر مناطق هم رو به افزایش است، و حتی در موارد اندک کاهشی که برای اعمال سیاست افزایش قیمت

می‌باشد، کمبود آن از انبارهای اروپا جبران می‌شود و هیچ مرجعی نمی‌توانند یا نمی‌خواهد از آنها جلوگیری کنند.

افغانستان کانون اصلی مواد مخدر از طالبان تا امروز و UNDCP:

بر اساس سیاستهای شیطنی قدرتهای بزرگ، آمریکا از طریق پاکستان، طالبان را به حکومت رساند و طالبان بدون مخالفت آمریکا دست به کشت خشخاش و تولید انواع مواد مخدر و اعمال تروریستی زد و تا جایی پیش رفت که حتی دامان آمریکا را هم گرفت. با حاکمیت طالبان در افغانستان، قاچاقچیان بین‌المللی و حرفه‌ای مواد مخدر، در این کشور مکان امنی برای خود پیدا کردند و در حمل و نقل کالای مرگ، چنان فعال شدند که گوی سبقت را از مثلث طلایی ربودند و افغانستان به نام رأس اصلی هلال طلایی معروف گشت.

این قاچاقچیان - که اکثر آنها در منطقه جلال‌آباد و قندهار به سرکردگی حاجی بشیر نورزی^۱، در منطقه رباط بیطرف^۲ به سرکردگی محمد شهنازی^۳، در منطقه هلمند به سرکردگی محمد رسول آخوندزاده و عبدالرحمن و عبدالواحد بقرانی هنوز هم حضور دارند - در سال ۲۰۰۰م با یک وضعیت بیسابقه محدودیتها، که از سوی طالبان وضع شده بود، روبه‌رو شدند، تا جایکه قیمتها به ۱۰ تا ۲۰ برابر افزایش پیدا کرد.^۴

۱. این قاچاقچی بزرگ در اواخر سال ۲۰۰۵م در آمریکا دستگیر شد.

۲. جنوب غربی کشور

۳. حاج عیدو

۴. در سال ۲۰۰۰م ملا عمر، به منظور به دست آوردن وجهه بین‌المللی و گرفتن یک کرسی در سازمان ملل، طی حکمی کشت خشخاش و تولید مواد مخدر را در خاک افغانستان ممنوع اعلام کرد و در این اندیشه بود که، اگر سازمانهای بین‌المللی کمک کنند، خرید و فروش را هم ممنوع کند. او آنقدر مقتدرانه رفتار کرد که علاوه بر جلب تحسین مقامات و مردم جهان، وضع قاچاقچیان و کشت‌کنندگان خشخاش در سراسر کشور را به مخاطره جدی نابودی انداخت. در آن زمان، اگر کشاورز افغان زمینی را زیر کشت خشخاش می‌برد از طرف نیروهای ملا عمر به شدت مجازات می‌شد و زمین زراعی‌اش را با بلدوزر خراب می‌کردند و حتی هزینه تخریب را هم از او می‌گرفتند.

با حمله آمریکا و سرنگونی رژیم طالبان، اوضاع دگرگون گردید و وضع افغانستان برای رسیدن به ثباتی پایدار، دوباره آشفته شد. اولین کاری که کشاورزان منع شده کشور انجام دادند کشت خشخاش بود. همه سرگرم جنگ بودند و نه تنها دیگر کسی مزاحم آنها نبود بلکه، پس از طالبان، بسیاری از مقامات جدید یا موافق بودند و یا مسائل مواد مخدر و کشت خشخاش را نادیده می‌گرفتند.

گل آقا والی قندهار، ملا رسول آخوندزاده والی هلمند، عبدالرحمن قوماندان (فرمانده) پلیس ارزگان که در قرقری نیمروز مستقر بود و امرالله در شیندند یک حلقه محکم و متحد دولتی تشکیل دادند و، با اختلافاتی که با اسماعیل خان والی هرات و کریم براهویی والی نیمروز داشتند، وضعیت بهتری برای ادامه و همراهی و آسوده خیالی باند های مافیایی در افغانستان به وجود آوردند. این افراد و دیگر همپیمانان‌شان، که گفته می‌شود از راه خرید و فروش مواد مخدر سودهای بسیار کلانی به جیب زده‌اند، هرگز مایل به از بین رفتن این منبع درآمد نبوده و نیستند.

دولت حامد کرزی هم برای از بین بردن این پدیده تا به حال فعالیت چشمگیری از خود نشان نداده است و سختگیری زیادی در این زمینه صورت نمی‌گیرد. گرچه دولت افغانستان بر ادامه مبارزه تا محو کامل مواد مخدر همیشه تأکید کرده و حامد کرزی رئیس‌جمهور افغانستان با صدور فرمانی از وزارت کشور خواست تا زمینه تشکیل یک مجمع ملی مبارزه با مواد مخدر را فراهم کند و دولت هم این نشست ملی دو روزه را در مقر ریاست جمهوری و قصر سلام خانه برگزار کرده و تصمیم گرفته مرکز جدیدی به نام واحد ملی مبارزه با مواد مخدر با کمک ایالات متحده ایجاد شود و تعقیب قاچاقچیان مواد مخدر را به صورتی جدی دنبال کنند، اما مردم تصمیمات دولت در جهت امحاء کشت خشخاش را جدی تلقی نمی‌کنند.

حامد کرزی، با اظهار اینکه سرنوشت افغانستان در گرو مبارزه با مواد مخدر است، در آغاز نشست فوق نیز درسخانی تند هشدار داد که در صورت حل نشدن مشکل مواد مخدر، جامعه جهانی افغانستان را در مسیر بازسازی تنها خواهد گذاشت و تروریسم به کشور باز خواهد گشت؛ زیرا بیشترین سود از تجارت این مواد، نصیب گروه‌های تروریستی می‌شود.

روزنامه‌/یندیندنت نیز، از قول مقامات وزارت امور خارجه بریتانیا نوشته است: میزان کشت خشخاش در افغانستان در سال ۲۰۰۴م، که شاید بتوان گفت بی‌سابقه است، باعث شده سیل هروئین ارزان به داخل بریتانیا سرازیر شود.

این روزنامه می‌افزاید کشت خشخاش، که در زمان طالبان به مقدار قابل توجهی کاهش پیدا کرده بود، با سقوط آنان به حدی افزایش پیدا کرده که امسال یکی از بزرگ‌ترین محصولات تریاک در دوران پس از اشغال در آن کشور تولید شده است.

خانم مارسیدن، سفیر بریتانیا در کابل، می‌گوید: ۹۵٪ هروئینی که در بریتانیا به فروش می‌رسد تولید شده در افغانستان است، وی، که دولتش وظیفه هماهنگی تلاش‌های جهانی برای مبارزه با مواد مخدر در افغانستان را به عهده دارد، از دولت افغانستان می‌خواهد تا دست فرماندهانی را که در قاچاق مواد مخدر فعالیت دارند از قدرت کوتاه کند.

تازه‌ترین بررسی‌های اداره مبارزه با جرایم و مواد مخدر سازمان ملل متحد (UNODCP) و وزارت مبارزه با مواد مخدر افغانستان نشان می‌دهد دو میلیون شهروند افغان، که نزدیک به ۹٪ کل نفوس افغانستان را تشکیل می‌دهد، مشغول کشت غیرقانونی مواد مخدر هستند. بررسی‌ها نشان داده که صد هزار هکتار زمین هنوز در افغانستان هر ساله زیر کشت خشخاش قرار می‌گیرد.

در گزارش هیئت بین‌المللی کنترل مواد مخدر سازمان ملل^۱ آمده است: تولید خشخاش در افغانستان به میزانی تقریباً بیسابقه رسیده که امنیت کشور را به مخاطره می‌اندازد؛ مثلاً تولید هروئین در سال ۲۰۰۴م، ۱۷٪ رشد داشته و به ۴۲۰۰ تن رسیده است که ۸۷٪ تریاک مصرفی در جهان را تأمین می‌کند.

آقای گوستا مدیر دفتر بین‌المللی کنترل مواد مخدر سازمان ملل می‌گوید: اکنون درآمد حاصل از تجارت مواد مخدر چیزی معادل ۳۰ میلیارد دلار در سال است؛ با این حساب قسمت اعظم پیشرفت اقتصادی افغانستان را تجارت تریاک تأمین می‌کند. دفتر سازمان ملل متحد می‌گوید: خطر وجود دارد که افغانستان بار دیگر به یک دولت ناتوان تبدیل شود، اما این بار به جهت فرو افتادن به دست کارتل‌های قاچاق مواد مخدر.

ناگفته نماند که شماری از بزرگ‌ترین سازمانهای امداد جهانی هشدار داده‌اند که نابودی یکباره کشت خشخاش در افغانستان می‌تواند بی‌ثباتی ایجاد کند و به سود رهبران مسلح محلی تمام شود. این سازمانها، که عبارت‌اند از حمایت بین‌المللی^۱ و آکسفام^۲ و مرسی کورپس^۳، در نامه‌ای سرگشاده، خطاب به رایس وزیر خارجه آمریکا، هشدار داده‌اند که نابودی مزارع خشخاش بخشهای بزرگی از افغانستان را بیثبات خواهد کرد.

در اواخر سال ۲۰۰۵ یکی از همان قاچاقچیان بزرگ افغان به نام حاجی بشیر نورزهی، که قبلاً از او نام برده شد و در منطقه جلال‌آباد و قندهار فعالیت داشت، در سفری به آمریکا از سوی مقامات آن کشور دستگیر شد و در یک دادگاه فدرال آمریکا در سال ۲۰۰۶ به اتهام توطئه با هدف قاچاق مواد مخدر به ارزش ۵۰ میلیون دلار به آمریکا مورد محاکمه قرار گرفت که حکم آن هنوز فاش نشده است. این نکته قابل یادآوری است که بر اساس گزارشهای موجود، فعالیت و تلاش دولت افغانستان برای مبارزه با کشت و قاچاق مواد مخدر افزایش یافته و با کشف و ضبط مقدار زیادی از مواد در ولایتهای مهم و دستگیری بعضی از اعضای باندهای فعال در کشور و تشکیل همایشها و مذاکرات داخلی و منطقه‌ای و همکاری سازمانهای بین‌المللی، یک کاهش ۲۱ درصدی برای اولین بار در چهار سال گذشته در گزارشهای سال ۱۳۸۴ مطرح شده بود. این کاهش را حبیب‌الله قادری وزیر مبارزه با مواد مخدر افغانستان دستاوردی بزرگ خواند؛ اما رئیس عمومی UNDCP اظهار داشت که: این دستاورد می‌تواند موقتی باشد و امکان دارد به زودی و در جریان یک فصل دیگر این نتایج معکوس شود. اکنون می‌بینیم که بر طبق اطلاعات جدید در سال ۲۰۰۷ شاهد نتایج معکوس و ناکامی ناتو و انگلیس مخصوصاً در ولایات جنوبی و تحت کنترل آنها هستیم.

در ضمیمه شماره یک موافقتنامه بن در مورد قوای امنیتی و بین‌المللی و مسئولیت تأمین امنیت و جایگزینی آن به خود افغانها و تربیت و تجهیز قوای امنیتی و مسلح

1. CARE

2. OXFAM

3. Mercy Corps

کشور و همچنین در ضمیمه شماره سه ردیف (۶) آن در مورد مبارزه با تروریسم بین‌المللی و قاچاق مواد مخدر می‌خوانیم که: «از سازمان ملل متحد، جامعه بین‌المللی و سازمانهای منطقه‌ای جداً و مصراً تقاضا می‌کند که با حاکمیت موقت در مبارزه با تروریسم بین‌المللی و کشت و قاچاق مواد مخدر همکاری کرده کشاورزان افغان را کمک مالی و مادی نماید تا کشت انواع دیگر محصولات جایگزین را در دست بگیرند.» اکنون جای جواب این سؤال که تا چه حد به این موافقتنامه عمل شده و نتایج آن بعد از این چند سال در این زمینه چه بوده است، خالی است؛ زیرا همه شواهد موجود و مستند در ابعاد مختلف امنیتی، تروریستی، و به ویژه مواد مخدر، حاکی از رشد فزاینده سال به سال و بی‌توجهی و بی‌تدبیری نیروها و مقامات مسئول کشوری و بین‌المللی می‌باشد؛ چنانچه، به گفته مقامات مسئول، اخیراً یک رشد ۵۷ درصدی آن اعلام شده است. بنابراین، با یک حساب سر انگشتی، رشد فعلی اعلام شده مواد مخدر در افغانستان را اگر با کاهش ۲۱ درصدی اعلام شده در دو سال قبل مقایسه کنیم، ملاحظه خواهیم کرد؛ که سیر حرکت تقریباً با سرعت سه برابر در حال افزایش است و می‌بینیم که تعهد نیروهای ناتو و مخصوصاً انگلیس در ریشه کنی آن در ولایات جنوبی کشور و دستگیری والی هلمند هیچ دردی را دوا نکرده بلکه آسیبهای اجتماعی و منطقه‌ای و آلام ملت افزایش یافته است. وضع فعلی سیاسی و حضور بیش از پیش طالبان نتایج مبارزات سازمانهای بین‌المللی و جامعه جهانی را زیر سؤال می‌برد.

به هر حال، در بعد اقتصادی هم اقتصاد سیاه تولید و قاچاق مواد مخدر در افغانستان تنها بخشی از مشکل اقتصاد کشور محسوب می‌شود و مهم‌تر از آن، شبکه‌هایی هستند که در طول ۲۵ سال جنگ در این کشور ارکان اقتصاد را در اختیار خود گرفته‌اند و موفق شده‌اند اقتصاد سیاه مواد مخدر را به بخشی از تولید ملی کشور تبدیل کنند؛ به طوری که امروز بانک جهانی رسماً اعلام می‌کند، قطع یکباره ارتباط درآمدهای ناشی از مواد مخدر از اقتصاد افغانستان، موجب سقوط اقتصاد این کشور خواهد شد و باید مسئله مواد مخدر در بلند مدت حل شود. این توصیه بانک جهانی به معنی به رسمیت شناختن اقتصاد سیاه افغانستان حداقل در یک دوره گذار، است.

نتیجه‌گیری

افغانستان در مورد مواد مخدر، مانند بسیاری از کشورهای جهان، دارای سابقه‌ای طولانی است؛ و با توجه به دست داشتن حکومت‌های تمام دوره‌های حاکمیت با باندهای بین‌المللی، امروز هم این کشور عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد مخدر را در سطح جهان به خود اختصاص داده است.

تنوع این مواد و به ویژه انواع جدید آن در جهان متأسفانه هر ساله باعث افزایش تعداد مصرف‌کننده، رشد تولید و سهولت درپخش و قاچاق آن گردیده و جوانان و خانواده‌ها هم هیچ اطلاعی از عوارض آن ندارند.

امروز مواد مخدر حتی در سیاست‌های جهانی وارد شده و به عنوان یک بلیه جهانی و معضل اجتماعی و سیاسی و یک بحران در صحنه بین‌المللی و در سطح کشورهای ظاهر شده و تهدیدکننده امنیت ملی و بین‌المللی است.

کارتلها، مافیاهای، تریادها و سایر گروه‌ها و باندهای بین‌المللی مواد مخدر در جهان فعال‌اند و همه امکانات و تجهیزات پیشرفته نظامی و اطلاعاتی امروزی، از رایانه گرفته تا نیروی هوایی و امثال آن، را در اختیار دارند.

مراکز مهم و اصلی مواد مخدر در جهان، که این مواد را از تولید تا توزیع در سطح جهان کنترل و تأمین می‌کنند. مثلث طلایی (میانمار، لائوس، تایلند)، هلال طلایی (افغانستان، پاکستان، ترکیه، لبنان و ...) و نیکاراگوئه، کلمبیا و مکزیک می‌باشد.

فعالیت‌های جهانی سازمان ملل در جهت مبارزه، کنترل، پیشگیری و استعمال غیر قانونی مواد مخدر، که در سال ۱۹۰۹ م نهادینه شده بود، به تدریج با محدود کردن آن به اهداف خاص به علت گسترش پدیده خطرناک جهانی آن، در سال ۱۹۹۸ م به نشست ویژه سازمان ملل در این خصوص و به ویژه در زمینه قاچاق مواد مخدر انجامید و سازمان‌های بین‌المللی UNDCP, CACP, UNODCP و دولتهای عضو موظف شدند با مبارزه پیگیر تا سال ۲۰۰۸ م میزان عرضه و تقاضای مواد مخدر را به حد قابل توجهی کاهش دهند.

در افغانستان، بعد از حمله آمریکا و همزمان با سرنگونی طالبان که کاهش کشت و تولید مواد مخدر را شاهد بودیم، متأسفانه در سالهای بعد از آن کشت و تولید این مواد

به میزان قابل توجهی افزایش پیدا کرد و با استفاده از فرصتهای مناسب و همکاریهای قدرتمداران داخلی و منطقه‌ای کشور (که یکی از آنها به نام نورزهی به عنوان قاچاقچی بزرگ افغان اخیراً در آمریکا دستگیر شد) و تقاضای جهانی، زمینه مناسب رشد به وجود آمد که هنوز ادامه دارد.

حامد کرزی در آغاز نشست ملی مبارزه با مواد مخدر، که در کابل تشکیل شد، طی سخنان تندی هشدار داد که در صورت حل نشدن مشکل مواد مخدر، جامعه جهانی افغانستان را در مسیر بازسازی تنها خواهد گذاشت و تروریسم به کشور باز خواهد گشت. از طرف دیگر، شماری از بزرگ‌ترین سازمانهای امداد جهانی مخالفت خود را نابودی مزارع کشت در افغانستان اعلام کرده و هشدار داده‌اند که نابودی یکباره کشت خشخاش می‌تواند بی‌ثباتی ایجاد کند.

به هر حال، می‌بینیم که اقتصاد سیاه یا منافع اقتصادی حاصل از تولید و قاچاق مواد مخدر در افغانستان و عاملین آنها که آن را به بخشی از تولید ملی کشور تبدیل کرده‌اند مهم‌ترین مشکل اقتصادی افغانستان محسوب می‌شوند. کار به جایی رسیده است که بانک جهانی رسماً اعلام می‌دارد: قطع یکباره آن موجب سقوط اقتصاد کشور خواهد شد و بدین نحو آن را به رسمیت شناخته است.

در پایان، راهکارهای عملی‌ای برای مبارزه با مواد مخدر در افغانستان پیشنهاد شده است که، باتوجه به گستردگی این میراث شوم، همکاریهای صادقانه، هماهنگ، اصولی و منطقی ملی و بین‌المللی را می‌طلبد تا با شناسایی و نابودی مزارع کشت و چالشهای فراروی این مبارزه و امکانات کشت جایگزین و انجام دادن وظایف سازمانهای بین‌المللی ذیربط و آگاهیهای عمومی و تشکیل و آموزش و تربیت پلیس نیرومند، زمینه برای حصول نتیجه‌ای مثبت در مبارزه با این آلودگی مهیا شود. بنابراین، این امر می‌تواند آغاز اصلاح اقتصاد ملی کشور و امنیت اقتصادی جامعه و حذف اقتصاد سیاه به حساب آید.

راهکارهای عملی برای مبارزه با مواد مخدر در افغانستان

منازعات و جنگهای ۲۵ ساله در افغانستان و حاکمیت‌های خودمحور و مستبد گذشته میراث شومی از خود به جا گذاشته‌اند که امروز متأسفانه باید نیروی عظیم و گسترده‌ای

در کشور با همکاریهای جهانی صرف شود و، با طرح راهکارهایی اساسی و سنجیده، برای رهایی ملت از بند این پدیده شوم عملیات اجرایی صورت گیرد.

با توجه به گستردگی وضعیت موجود مواد مخدر در افغانستان و جهان، مبارزه با آن کار ساده‌ای نیست و، همانطور که سازمانهای بین‌المللی و جهانی و دولت‌های کوچک و بزرگ دنیا ادعا می‌کنند، باید انتظار داشت که با صداقت، هماهنگی، اصولی و منطقی در جهت رفع این آفت همه‌گیر حرکت کنند.

در افغانستان، اول باید چالشهای فراروی کشور در مبارزه با کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر شناسایی شود و با همکاری مجامع بین‌المللی نسبت به موارد زیر اقدام صورت گیرد، به شرطی که دست کارتل‌های داخلی از دخالت کوتاه گردد.

۱. مزارع کشت خشخاش شناسایی، بررسی و نابود شود و با کسب رضایت زارعان و با دادن امتیازهای لازم به آنها در مورد کشت جایگزین، هدایت و همکاری کافی در نظر گرفته شود؛

۲. دولت و نهادهای بین‌المللی مانند سازمان بهداشت جهانی (WHO) UNODCP، INCP، UNDCP، سازمان پلیس جنایی بین‌المللی^۱، سازمان گمرکات جهانی^۲، کمیسیون هوانوردی بین‌المللی^۳، سازمان بین‌المللی کار^۴، سازمان خوراک و کشاورزی^۵ یونسکو، یونیسف و امثال آن با حمایت NGO های محلی نه خارجی، نسبت به آموزشهای لازم، تبلیغات، معالجه و بازپروری معتادان، تعقیب و دستگیری اعضا و سران باندهای تولید و قاچاق، بررسیهای دقیق گمرکی، کنترل هوایی، ایجاد کار و اشتغال مفید و مؤثر و، همانطوری که در قطعنامه پایانی همایش ملی مبارزه با مواد مخدر در کابل آمده است، ممنوعیت قانونی تولید مواد مخدر که با ممنوعیت اعتقادی همراه باشد، اصلاحات قضایی، آگاهیهای عمومی و تلاش در جهت کاهش تقاضای بین‌المللی، اقدام جدی به عمل آید؛

1. Interpol

2. WCO

3. ANC

4. ILO

5. FAO

۳. تشکیل و آموزش و تربیت پلیس نیرومند برای مبارزه با مواد مخدر؛
۴. عزل اعضای بلندپایه دولت که با این معضل و پدیده شوم ارتباط دارند و چالش عمده ای برای این مبارزه به حساب می آیند؛
۵. اصلاح اقتصاد سیاه و جداسازی آن از اقتصاد ملی کشور؛
۶. ایجاد امنیت اقتصادی و مشروعیت شغلی؛
۷. عدم فراموشی و غفلت جامعه جهانی و دولتهای دوست و دلسوز مردمی نسبت به کشوری که هر لحظه می تواند تهدیدی باشد و جهانیان را به مخاطره اندازد.

